

● علیرضا شجاعی

## بودا

سیدارته گوتمه<sup>(۱)</sup>، از طایفه سکیه<sup>(۲)</sup> و از طبقه جنگاوران<sup>(۳)</sup> بود. پدرش سودودنه<sup>(۴)</sup>، زمیندار بزرگ، در زمان تولد پسرش فرمانروای قلمرو سرزمین کسله<sup>(۵)</sup> بود. سیدارته موافق سنت طبقه بزرگان هند باستان، در شانزده سالگی ازدواج کرد و در بیست و نه سالگی حاش از بنیاد دیگرگون شد. از خانه به بی خانگی رفت و شش سال زیر نظر آموزگاران مرتاض به ریاضتی سخت تن داد، اما دریافت که با این تعالیم به رهایی ره نمی یابد. از خودآزاری و ریاضت دست کشید و غذای مناسبی خورد. روزی در زیر یک درخت که بعدها به درخت روشن شدگی (بودی)<sup>(۶)</sup> شهره شد، نشست، از روی روش به مراقبه (دیانه)<sup>(۷)</sup> پرداخت و با چشم جانش در لابه لای سرشت هستی نگریست. زندگانی پیشینش را به یاد آورد، از میان قانون تولد مجدد، که نتیجه کردار (کرمه)<sup>(۸)</sup> هاست، گذر کرد و دریافت که این رنج است، این خاستگاه رنج است، این فرونشاندن رنج است و این راه فرونشاندن رنج است. او به این بینش رسید که: «رهایی من [از رنج] لرزش پذیر نیست، این آخرین تولد است، دیگر [برای من] وجود دوباره‌ای در کار نیست.» (کانون پالی، مجیمه نیکایه، جلد یک، ص ۱۶۷)

در آن لحظه، که بنا بر سنت، در بدر ماه و بساکه<sup>(۹)</sup> سال ۵۲۸ پیش از میلاد بود، سیدارته گوتمه به روشن شدگی، یعنی به اشراق رسید و بودا، یعنی بیدار شد، در آن زمان سی و پنج ساله بود.

بودا به راه افتاد تا به باغ آهوی ایسی پتنه، سارنات، نزدیک بنارس، برود تا نخستین موعظه‌اش، به گردش درآوردن چرخ آیین، را بر همراهان پیشین خود فرو خواند. او آیین خود را، به طریق عقیدتی و جزئی عرضه نکرد، برعکس، سخت بر آن بود که هیچ آموزه‌ای هرگز نباید به نیروی سنت، به اعتبار نوشته شدن در کتاب‌های مقدس، به دلیل هماهنگ بودن با نظریه‌های خود فرد، یا به سبب اعتماد به یک مرجع پذیرفته شود. فقط وقتی باید آن را پذیرفت که آن را درست دانسته باشیم. (کانون پالی، آنگوتره نیکایه، کتاب اول، ص ۱۸۹)

بودا پیامبر نبود، بلکه خود را فرزانه و آموزگار می دانست. در زندگانی او چیزی نیست که نشان دهد روح قادری او را

به پیامبری برگزیده باشد، او هرگز چیزی نگفت که نشان دهد نایب وجودی برتر است. هیچ وسوسه نیرومندی او را بر آن نمی دارد که جهان را دیگرگون کند. او خود را در راه رهایی که برای جان آدمی جاذبه‌ای دارد، نشان راه می داند و همساز با قوانین طبیعی هستی را توصیه می کند. آموزه و خطاب به فرد است، نه به یک گروه نژادی یا فرهنگی و از این رو، آیین بودا به خلاف دین نژادی هندوئیسم توانست بیرون از هند هم پیروانی فراهم آورد و دین جهانی شود.

بودا با این اندیشه که رنج بوته آزمایش است، بیگانه بود. برعکس، هدف او غلبه بر رنج بود و از این رو آن را با تغییر شرایط بیرونی وجود هم ممکن نمی دانست و رسیدن به رهایی از رنج را از راه یک حالت روانی سودمند تعلیم می داد. آیین بودا -همچون اشکال دیگر عرفان- درون گراست و راه آن به رهایی، راهی در جان است. این مفهوم از نظریه خاصی درباره انسان ناشی می شود. انسان بد نیست، بلکه شیفته خودپرستی است؛ نادانی او، نه نهاد بد او، او را اسیر رنج می کند، رفتار او در جهان چون رفتار آن پسر بچه است و روغن ماهی تلخ. پسر، روغن ماهی را برای آن می خورد که مادرش برای هر فاشق پنج ریال به قلکش می انداخت. وقتی که روغن ماهی ته کشید، قلک را شکستند و پولش را دادند باز یک شیشه روغن ماهی خریدند.

به خلاف دین‌هایی که خاستگاهشان از خاورمیانه است، تصور خدای قادر جایی در آیین بودا ندارد. نه خدا و نه خدایان (گرچه چنین دانسته‌اند)، بلکه انسان موضوع اندیشه بودایی است. اگر چه مکتب‌های بعدی بودایی عقیده دارند که باری از بیرون امکان پذیر است، اما هر کس خودش باید آخرین گام به رهایی را بردارد. آیین بودا همه را در برداشتن این گام توانا می داند و همین نکته، در آخرین تحلیل، گرایشی خوش بینانه به این آیین می دهد. بودا هیچ گاه کسی را مجبور به پذیرفتن آیین خود نکرد و حتی هشدار می داد که با تغییر کیش شناخته مخالف است. وقتی که سپهدار سپیه -از معتقدان کیش جین- پس از گفت و گویی با استاد خواست پیرو او شود،

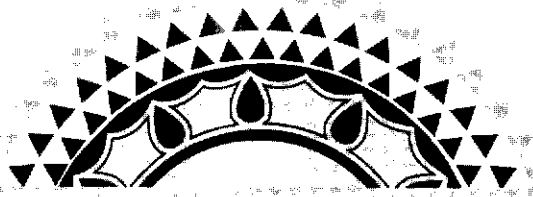
پند استاد این بود که در این باره بیش تر اندیشه کند. وقتی سپیه خواهش خود را برای گرویدن به آیین او تکرار کرد، بودا به او گفت از خیرات به رهروان جین دریغ نکند. (کانون پالی، وینیه پیتکه، کتاب اول، ص ۲۳۶)

بودا در هشتاد سالگی درگذشت. او باقی عمر را به تربیت شاگردان و آموزش به مردم گذراند، به طوری که در اواخر عمر پیروانش به انجمنی سازمان یافته تبدیل شده بودند. بودا خود را بنیانگذار دین نمی دانست و هرگز برای خود جانشین تعیین نکرد. بودا غم خواری را در این می دید که چون آموزگار دین تجربه‌اش را در اختیار دیگران قرار دهد، خواه به کار گیرند، خواه نگیرند. او خود را سازنده راه نمی دانست، بلکه آموزگاری می دانست که از راه غبار بر گرفته، آن را نشان می دهد. وقتی که بودا بیمار شده بود، آئنده<sup>(۱۰)</sup>، پسر عموی بودا، که بیست و پنج سال ندیم او بود، از استاد خواست تا پیش از مرگ، جانشین خود را تعیین کند. استاد در پاسخ گفت: آئنده انجمن از من چه انتظار دارد؟ آئنده، من آیین را بی آنکه درون و بیرون کنم، روشنگری کرده‌ام... پس، ای آئنده، جزیره خود باشید، پناه خود باشید، آیین را چون جزیره، چون پناه بدانید. پناه دیگری نداشته باشید! (کانون پالی، دیگه نیکایه، کتاب دوم، ص ۱۰۰)

از آنجا که استاد گفته بود بالاترین مرجع، خود آیین (حدرمه) است نه آموزگار آیین، رهروان کوشیدند سخنان استاد را گردآورند و از آنها کانونی بسازند.

## شوراهای بودایی و پیدایش مکتب‌ها

از آنجا که استاد گفته بود تنها به آیین تکیه کنید، نخستین شورا برای گردآوری آموزه‌های او بلافاصله پس از مرگ وی، در راجه گپه (راجگیر کونوی) برپا شد. این شورا با ۵۰۰ راهرو کارآزموده، تنوین دو بخش یا دو سید از سه سید کانون پالی را به عهده گرفت. یکی سید وینیه<sup>(۱۱)</sup> (سید روش یا نظام انضباطی رهروان) و دیگری سید سوته<sup>(۱۲)</sup> (سید سوره‌ها، یا سخنان بودا). دومین شورا حدود یک قرن پس از مرگ بودا، حدود ۳۸۶ ق.م. در ویسالی<sup>(۱۳)</sup> تشکیل شد. به نظر می رسد که سنگ بنای نخستین اختلافات که موجب شکاف در انجمن



رهروان و پیدایش مکتب‌ها شد در این شورا نهاده شد. هدف این شورا افزودن گفتارها و اشعار به کانون پالی بود تا محتوای آن را تصفیه و سخنان آموزگار را هماهنگ کنند. بنابر سنت میان رهروی به نام یسه<sup>(۱۴)</sup> و رهروان سرزمین وجی<sup>(۱۵)</sup> اختلاف فقهی پیدا شد. رهروان وجی به ده نکته که یسه آنها را نادرست و خلاف قوانین انجمن می‌دانسته دست می‌بازیدند. این ده نکته این موارد را مجاز می‌دانسته: ذخیره کردن نمک در شاخ، خوردن عصرانه و خوردن شیر پس از غذا. در این شورا آن ده نکته و چند قانون دیگر را به دلیل سستی بیش از حدشان مطرود دانستند. بعضی از دانشمندان معتقدند که اختلاف در دومین شورا چنان بود که به جدایی آشکار دو شاخه انجمن اولیه انجامید. یکی مکتب مهاسنگیکه<sup>(۱۶)</sup>، که نگرش‌های لیبرالی‌تر داشت و دیگری مکتب استوریه<sup>(۱۷)</sup> (تیره‌واده) که موضعی سنت‌گراتر گرفت.

سومین شورا به فرمان شاه آشوکا<sup>(۱۸)</sup>، در پاتلی پوته<sup>(۱۹)</sup> (پته کنونی) حدود ۲۵۰ ق.م. برپا شد. در این شورا به دو سبب اولیه آثار مدرسی‌ای را افزودند تا اینکه طی دو قرن بعد، بخش سوم کانون پالی، یعنی سبب ابی‌دمه<sup>(۲۰)</sup> (رساله‌های مدرسی) شکل گرفت. همچنین نقل است، میان دو فرقه، یکی سرواستی‌وادین‌ها<sup>(۲۱)</sup> و دیگری ویجیه‌وادین‌ها<sup>(۲۲)</sup> (که معمولاً آنها را با تیره‌وادین‌های اولیه یکی می‌گیرند) اختلاف پیدا شد. چهارمین شورا به فرمان شاه کنیشکه<sup>(۲۳)</sup>، احتمالاً قرن اول میلادی، در جالتند<sup>(۲۴)</sup>، یا کشمیر برپا شد. به نظر می‌رسد هدف از تشکیل این شورا فقط نوشتن تفاسیر بوده است. ظاهراً چون در نوشتن این تفاسیر فقط دیدگاه سرواستی‌وادین‌ها اعمال شده بود، دانشمندان عموماً آن را یک شورای فرقه‌ای می‌دانند، نه یک شورای جامع بودایی واقعی. به هر حال بوداییان سنت اولیه، چهارمین شورا را هرگز معتبر نمانستند. از دومین شورا چندان نگذشته بود که انجمن بودایی به مکتب‌های متفاوت تقسیم و زمینه برای پیدایش دو سنت بزرگ بودایی، هیئه‌یانه<sup>(۲۵)</sup> و مه‌یانه<sup>(۲۶)</sup> فراهم شد.

### مکتب‌های آغازین (مکتب‌های تیره‌واده)

طی دو قرن پس از درگذشت بودا و به ویژه پس از دومین شورا، انجمن رهروان به دو مکتب تقسیم شد: یکی مکتب تیره‌واده (یه سنسکریت، استوریه‌واده<sup>(۱۷)</sup>) یعنی پیروان آموزه پیسران<sup>(۲۷)</sup> و دیگری مکتب مهاسنگیکه<sup>(۲۸)</sup> یعنی انجمن بزرگ. پیروان مکتب تیره‌واده که امروزه تنها مکتب سنت آغازین، یعنی هیئه‌یانه است، مدعی‌اند که سنت آنان سنت تحریف‌نشده سخن بوداست و کانون آنها همان کانون پالی است که به شکل کاملش به دست ما

رسیده است. مهاسنگیکه‌ها که از دل تیره‌واده‌ها بیرون آمدند، پیشگامان سنت مه‌یانه به‌شمار می‌آیند. امروزه از کانون مهاسنگیکه‌ها تنها یک کتاب به ما رسیده که مه‌اوستو<sup>(۲۹)</sup> نام دارد و به زبان سنسکریت دوره که یعنی سنسکریت آمیخته به گویش‌ها نوشته شده است. علت انشعاب در انجمن، بنابر یک منبع، همان‌گونه که اشاره شد، اختلاف بر سر قوانین انضباطی بود و براساس منبع دیگر، تفرقه بر سر مفهوم ارهت پیدا شد. در بعضی از رهروان این اندیشه پیدا شد که حتی ارهت‌ها نیز دستخوش وسوسه می‌شوند و لزوماً همه آگاه نیستند و در مقابل، آرمان بوداسف را آفریدند. چون کار گفت‌وگو به سامان نرسید نوآوران گردآمدند و به این ترتیب مکتب مهاسنگیکه را پدید آوردند.

مهاسنگیکه‌ها با تیره‌وادین‌ها بر سر نکات دیگر نیز اختلاف داشتند. مهاسنگیکه‌ها دیگر به بودا چون انسان معمولی نگاه نمی‌کردند، بلکه او را انسان برتر می‌دانستند، می‌گفتند که رنج را نه فقط با سلوک پرهیزکارانه و روشن‌شدگی بلکه با فرانشناخت (پرگیا) تنها می‌توان از میان برد، بر آن بودند که کسی که دوباره زاینده می‌شود

دیگر دستخوش فشار کرمه پیشین نیست، بلکه آزاد و پاک است و مفهوم تهیت همه چیز را آفریدند. بدین معنا که در پس چیزها هیچ ذات پاینده‌ای وجود ندارد. همه هستی ترکیبی است از ذرات گذرنده و لحظه‌ها به نام درمه. همه چیز مشروط است به جز نیروانه که درمه نامشروط است. این جنبه‌ها را با کمی تغییر می‌توان بعدها در مه‌یانه یافت.

اما اختلافات به این دو مکتب ختم نشد. طی دو قرن بعد، با پیدا شدن اختلاف در مکتب‌های تیره‌واده و مهاسنگیکه، مکتب‌های کوچک‌تر بسیاری پیدا شد. به‌طوری که در سنت از هجده مکتب هیئه‌یانی سخن گفته‌اند، اما در متن‌ها بیش از سی مکتب نام برده‌اند. این هجده مکتب به هجده مکتب آغازین شهره است. گزارش‌های هندی و سری‌لانکایی نام این مکاتب را متفاوت نوشته‌اند. دو منبع معتبر برای شناخت مکتب‌های بودایی اولیه یکی دیه‌ومسه<sup>(۳۰)</sup> است و دیگری مه‌اومسه<sup>(۳۱)</sup>، که تاریخ سری‌لانکاست و به وقایع زمان بودای تاریخی تا قرن چهاردهم می‌پردازد. مه‌اومسه این مکاتب را مکتب آموزگاران (آچاریه‌واده)<sup>(۳۲)</sup> می‌خواند. آچاریه‌ها آموزگاران بودند که با نیروی معنوی‌شان انجمن رهروان را هدایت و رهبری می‌کردند. از این رو، نام چند مکتب از نام همین استادان گرفته شده است، مکتب درمه‌گوپته‌ها از نام درمه‌گوپته و مکتب کاشیبه‌ها از نام کاشیبه و مانند اینها. دسته دیگر مکتب‌هایی است که نام‌شان از چند مکان گرفته شده و علش نیز رواج این مکتب‌ها در آن مکان‌هاست، مانند مکتب هیمه‌وته‌ها از مناطق هیمالیا و مکتب آونتکه‌ها از سرزمین آونتی و سرانجام نام دسته سوم از بخش اصلی آموزه، یعنی نظریه اصلی‌شان گرفته شده، مانند مکتب سرواستی‌وادین‌ها که از نظریه سرواستی یعنی همه هست و مکتب لوکووتره‌وادین‌ها از نظریه لوکووتره یعنی فراجهان بودن بودا گرفته شده است.

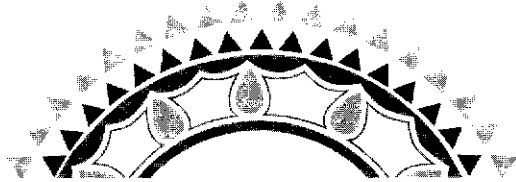
### سه سنت بزرگ

در آیین بودا از نظر تاریخی و جغرافیایی سه سنت بزرگ و متمایز وجود دارد.

**آیین بودای جنوبی**، که اغلب به آیین بودای تیره‌واده شناخته می‌شود، حدود ۱۲۵ میلیون پیرو دارد و اکثرشان در کشورهای سریلانکا (سیلان)، میانمار (برمه)، کامبوج، لائوس و تایلند (سیام) زندگی می‌کنند.

**آیین بودای شرقی**، در چین، ژاپن، کره و ویتنام رایج است. برآورد دقیقی از شمار ایشان نمی‌توان ارائه کرد. رابطه نزدیک میان آیین بودا و ادیان بومی گوناگون (مثل آیین کنفوسیوس، شین تو<sup>(۳۳)</sup>، آیین دائو<sup>(۳۴)</sup> و دین عامیانه) مثل یک خانواده یا فردی است که در آن واحد اعمال گوناگون به جا آورند. افزون بر این،





حکومت کمونیستی در بسیاری از این مناطق، دست یافتن به اطلاعات موثق را غیرممکن کرده است. با این همه، شاید بتوان گفت که آیین بودای شرقی یکی از پرنفوذترین سنت‌های دینی در میان یک جمعیت یک و نیم میلیارد نفری است.

**آیین بودای شمالی**، در سرزمین‌های تبت، مغولستان و مناطقی در رشته‌کوه‌های هیمالیا، شاید با ۶۰ یا ۲۰ میلیون پیرو رواج دارد. نفوذ این آیین بیش از آن چیزی است که این ارقام نشان می‌دهد، چون سنت فرهنگی، معنوی و فلسفی غنی و مستقلاً از آن مستقیماً از آموزه‌های اولیه بودایی هندی برگرفته در خود حفظ کرده است.

باید دقت داشت که بسیاری از پیروان این سنت‌ها به کاربرد نام لامائیسم (۲۵) برای آیین بودای شمالی و هیئتیانه برای آیین بودای جنوبی را اهانت‌آمیز می‌دانند.

### آیین بودای جنوبی هیئتیانه

هیئتیانه که در لغت به معنی چرخ یا گردونه کوچک است در اصل نامی است که نمایندگان سنت مهاییانه، گردونه بزرگ، بر آیین بودای آغازین نهاده‌اند. پیروان هیئتیانه خود معمولاً آموزه‌شان را تیره‌واده (۳۶) به معنی آموزه پیران یا بزرگان می‌خوانند، با وجود این واقعیت که تیره‌واده تنها یکی از مکتب‌های هیئتیانه بود، تنها مکتبی است که همچنان تا به امروز باقی است. نام دیگر هیئتیانه، آیین بودای جنوبی است، چون اغلب در کشورهای آسیای جنوبی (سریلانکا، تایلند، میانمار، کامبوج و لائوس) رواج دارد.

پس از درگذشت بودا سنت هیئتیانه تا قرن اول پیش از میلاد رشد و تحول یافت. پیروان آن مدعی‌اند که این سنت آیین اصلی و ناب بودا را همان گونه که او تعلیم داده بود عرضه می‌کند و حجیت شرح و تفسیرهای بعدی و به‌ویژه آثار مهاییانه را رد می‌کند. از این رو اکثر محققان آن را سنت ارتدوکس می‌خوانند. آموزه‌های تیره‌واده اساساً بر سوترها، مهم‌ترین بخش کانون پالی، که می‌گویند سخنان خود بوداست، مبتنی است.

تیره‌واده در وهله نخست بر رسیدن به رهایی تأکید می‌کند. تأمل فلسفی در این سنت نقش ندارد. آموزه هیئتیانه تحلیلی است از موقعیت انسان، سرشت هستی که با رنج (دوکه) (۳۷) عجین است و ساختار فردیت. این سنت روش‌های از میان بردن رنج را نشان می‌دهد.

دیدگاه همه مکتب‌های هیئتیانه درباره هستی، رئالیستی است. از دید آنان، رنج که باید از آن رهایی یافت، واقعی است. رهایی از چرخه رنج‌آور زاد و مرگ (سنساره) (۳۸) و رسیدن به نیروانه (۳۹) را بالاترین مقصد می‌دانند. این با خودکوشی، ترک دنیا و چیره‌شدن بر آن به دست می‌آید. از این رو، پیروان هیئتیانه باید ترک خان و مان‌کنند و به زندگی در دیر تن دهند. رسیدن به نیروانه برای غیررهروان ممکن نیست جز آنکه ترک خان و مان‌کنند و از دنیا چشم‌پوشند. رهروان می‌کوشند تا به مقام

ارهتی برسند و غیررهروان نیز با خدمت خود آنان را یاری می‌کنند، به این امید که با انباشتن ثواب، کرمه خود را نیک کنند و در زندگی بعدی به این هدف نزدیک‌تر شوند. ارهت در هیئتیانه، انسان آرمانی (انسان کامل) است. کسی است که زندگی خود را با این اصول اخلاقی هماهنگ می‌کند و از راه خودکشی به رهایی رسیده است. ارهت کسی است که خود را از بند پندار و کام‌ها رها کرده و دیگر به این جهان باز نخواهد گشت.

برای همه مکتب‌های آیین بودا این پرسش مطرح است که چگونه می‌توان از چرخه بی‌وقفه زاد و مرگ فرار کرد. سلوک اخلاقی از اینجا آغاز می‌شود. شناخت مفهومی اینکه رنج همه هستی را فراگرفته است و شناخت راهی که زندگی در آن تحول می‌یابد، برای رهایی از رنج کافی نیست، باید به تزکیه که به توقف این جریان می‌انجامد نیز پرداخت. این تزکیه با پیروی از راه هشنگانه جلیل به دست می‌آید.

هدف این راه رهایی از پندار منیت و در نتیجه آزاد کردن خویش از بندهای این جهان مادی است. کسی که این راه را به سرانجام می‌رساند می‌گویند بر چرخه زاد مرگ چیره شده، به روشن‌شدگی رسیده است. مقصد نهایی، این است، نه بهشت یا جهان آسمانی.

تیره‌واده از سخن گفتن درباره ماهیت مقصد نهایی، یعنی نیروانه، خودداری می‌کند. نیروانه، حالتی از رهایی است که فقط باید آن را تجربه کرد. حالتی که با فرونشاندن سه آتش آرز، کینه و فریب به دست می‌آید. بودا از هرگونه پاسخ به پرسش‌های متافیزیک خودداری می‌کرد، چون عقیده داشت که بحث نظری در این باره نه تنها راه به رهایی نمی‌برد، بلکه سنگ راه آن می‌شود. در این زمینه عموماً تمثیل مردی را نقل می‌کنند که تبری زهرآگین خورده است. کسی که تبری زهرآگین خورده در این وضع فوری و ضروری باید در صند ملأوا برآید و توجه خود را صرفاً به آن معطوف کند نه اینکه به جزئیات دقیق تیر، زهر و یا تیرانداز بپردازد.

تیره‌واده‌ها به بودا به شکل یک شخص تاریخی، یک انسان خاکی و آموزگار نگاه می‌کنند، نه چون یک موجود فراطبیعی. برخلاف مهاییانی‌ها که برای او تن آسمانی قائل شدند. گوهر تیره‌واده، در چهار حقیقت جلیل، نظریه زنجیر همزی مشروط (پرتیته-سموتیاده) (۴۰)، آموزه نبود خود (ان‌امن) (۴۱) و قانون کردار (کرمه) نشان داده می‌شود. عمل محوری تیره‌واده‌ها، راه هشنگانه جلیل است. یعنی (۱) گفتار درست، (۲) کردار درست، (۳) زیست درست، (۴) کوشش درست، (۵) گاهی درست، (۶) یکدلی درست، (۷) شناخت درست و (۸) اندیشه درست. از نظر سنت، کسی که به راه هشنگانه جلیل عمل کند، شاگرد بوداست، چه بخش نظری آیین را بفهمد و چه نفهمد.

از نظرگاه مهاییانه، هیئتیانه، گردونه کوچک است، چون راه رهایی را تنها برای خود باز می‌داند و نه برای همه موجودات. مهاییانی‌ها تیره‌واده را نخستین مرحله

آموزه بودا می‌دانند، اما بودا بعدها آموزه کامل، یعنی مهاییانه، گردونه بزرگ، را ارائه کرد.

### آیین بودای شرقی مهاییانه

مهاییانه، در لغت به معنای چرخ یا گردونه بزرگ، یکی از دو سنت بزرگ آیین بوداست. مهاییانه در قرن اول پیش از میلاد پدید آمد و به دلیل رویکرد چند جانبه‌اش و اینکه رهایی را برای همه ممکن می‌داند، خود را مقابل هیئتیانه، گردونه بزرگ خواند.

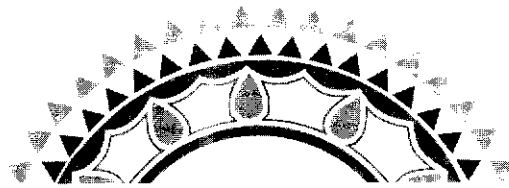
هیئتیانه و مهاییانه هر دو از آموزه‌های بنیادین شاکیه‌مونی بودای تاریخی سرچشمه می‌گیرند، اما تأکید بر جنبه‌های آیین آموزه‌ها در این دو سنت متفاوت است. در حالی که هیئتیانه رهایی را فردی و بسته به کوشش خود فرد می‌داند، مهاییانه به دنبال رستگاری همه موجودات است. این نگرش مهاییانه در آرمان بوداسف (۴۲) و رسیدن به مقام بوداگی تجلی می‌یابد.

بوداسف، انسان آرمانی مهاییانه است که از روی روش برای رسیدن به شراق یا روشن‌شدگی، یعنی رسیدن به بوداگی (بودا شدن) می‌کوشد، اما از سر مهر و غم‌خوارگی رفتن به نیروانه را به تأخیر می‌اندازد و در جهان می‌ماند تا به همه جانداران یاری کند که راه رستگاری خود را در رهایی همه بیابند. زندگانی بوداسف یکسره وقف دیگران است. این همان مفهوم غم‌خوارگی است و آرزوی نیکوخت کردن دیگران است که مهاییانه بر آن تأکید می‌کند.

مهاییانه از مکتب‌های هیئتیانه، مهاسنگیکه‌ها و سرواستی‌وادین‌ها، که جنبه‌های مهیج این سنت را شکل دادند، منشعب شد. آموزه‌ها و ویژگی‌های مهاییانه، از مهاسنگیکه پیدا شد که شامل آموزه سرشت فراجیهانی بود، آرمان بوداسف و مفهوم تهیت (شونیتا) (۴۳) همه چیز است. بذره‌های آموزه سه کالبد (تری‌کایه) (۴۴) را می‌توان در نظریه سرواستی‌وادین‌ها یافت.

مهاییانه، در قیاس با هیئتیانه، برای دیرنشینی ارزش کمتری قائل است. برخلاف آیین بودای آغازین، اینجا غیررهروان نیز می‌توانند به نیروانه برسند که در این صورت برای طلب یاری و رسیدن به مقصد معنوی، می‌توانند به بودا و بوداسفان پناه ببرند. در این رویکرد، نیروانه تنها مقصد برای رهایی از رنج سنساره‌ای نیست، بلکه فراتر از آن، شناخت سرشت خویش، شخص را به رهایی می‌برد و با مطلق یکی می‌کند. در این سنت سرشت بودا، که همه موجودات آن را دارند، از شخص بودای تاریخی مهم‌تر است.

همان گونه که مهاییانه از دل هیئتیانه پیدا شد، از مهاییانه نیز مکتب‌های دیگر پدید آمد. این مکتب‌ها از هند به تبت، چین، کره و ژاپن گسترش یافتند و مکتب‌های ژاپنی و سنت‌وجره‌یانه (۴۵) را بنیاد نهادند. در هند دو مکتب فلسفی پیدا شد. یکی مادیسمیکه (۴۶)، که بنیانگذار آن ناگراجونه (۴۷) بود و دیگری یوگاچاره که اسنگه (۴۸) آن را بنیاد نهاد. همان‌گاه که در هندوتیسم، سنت



تنتره<sup>(۴۹)</sup> رشد و تحول می‌یافت، در آیین بودا نیز یک مکتب متمایل به سحر و جادو به نام وجره‌یانه<sup>(۵۰)</sup> پیدا شد که امروزه بیشتر در آیین بودای تبتی رایج است. مهم‌ترین مکتب‌های مه‌یانه در چین، چن<sup>(۵۱)</sup>، هوا-ین<sup>(۵۲)</sup>، تیئن-تای<sup>(۵۳)</sup> و مکتب پاک‌بوم بودند. این مکتب‌ها در ژاپن، به ترتیب با نام زن<sup>(۵۴)</sup>، کگون<sup>(۵۵)</sup>، تن‌دایی<sup>(۵۶)</sup> و آمیدابستی بیش از پیش رشد و تحول یافتند. آموزه‌های مه‌یانه در سوره‌ها و شاستره‌های<sup>(۵۷)</sup> مه‌یانه آمده است. برخی از این سوره‌ها ژرف‌ترین آثار آیین بودا به شمار می‌آیند.

### آیین بودای شمالی وجره‌یانه

وجره‌یانه که در لغت به معنای چرخ یا گردونه الماس است، سنت باطنی و خاص فهم آیین بوداست که حدود میانه هزاره اول، در هند شمال شرقی و شمال غربی پیدا شد. این آیین از دل آموزه‌های مه‌یانه بیرون آمد و از آسیای میانه و هند به تبت، چین و ژاپن رسید، اما بیشتر در تبت رشد و تحول یافت. علت پیدا شدن این سنت را کرایش به توسعه دیدگاه آیین بودا به اعمال جادویی دانسته‌اند. ویژگی این سنت، روش روانشناسانه مبنی بر اعمال مناسکی بسیار پیشرفته است. ریشه وجره‌یانه، در دسته‌های کوچک رهروان کارآزموده‌ای که بر گرد یک 'ستاد' (گورو)<sup>(۵۸)</sup> جمع می‌شدند، پا گرفت. نوشتن متون (تنتره)<sup>(۵۹)</sup> در وجره‌یانه و راه یافتن این متون به نهادهای دیری، از تحولات نسبتاً اخیر این نهضت به شمار می‌آید. آثار کتی این سنت عمدتاً از قرن ششم به این طرف شکل گرفت. به دلیل کاربرد منتره، آیین بودای تبتی وجره‌یانه

را منتره‌یانه<sup>(۶۰)</sup> (گردونه متن‌های منتره) می‌خوانند. وجره‌یانه با تلفیق عناصر یوگا و اندیشه اصلی بودایی هندی باستان، یک آیین خاص فهم را بنیاد نهاد. هند شمال غرب تأثیر در شکل‌گیری آن داشت، به طوری که نمادشناسی در آن توسعه یافت. این نمادشناسی بر یک فرقه جنسی که در شمال شرقی هند بود تأثیر نهاد و آن فرقه نیز به نوبه خود شمایل‌نگاری وجره‌یانه را پدید آورد.

وجره‌یانه در آغاز به شکل یک سنت شفاهی انتقال یافت اما بعدها در میانه قرون ششم تا دهم، نظام عقیدتی و منسجم خود را توسعه داد. پیروان و مشایخ این سنت را مه‌یاسیده<sup>(۶۱)</sup> می‌نامند. نومریدان در وجره‌یانه زیر نظر استاد به تمرین مراقبه (دیانه) می‌پردازند. آنان برای مراقبه در یک مکان زاویه می‌گیرند و به سیر درون می‌پردازند تا به کمک استاد یگانگی با مطلق را تجربه کنند.

منتره، به معنای هجا یا جمله‌ای است - معمولاً بدون محتوای معنادار - که گورو، یعنی مرشد، در تشریف پنهانی پس از یک دوره مقدماتی طولانی، آن را به شاگردش می‌دهد و نقش راهنمایی را ایفا می‌کند که رهرو یا سالک کارآزموده (سادکه)<sup>(۶۲)</sup> می‌تواند راه رهایی را با آن بییابد.

وسيله دوم وجره‌یانه حرکات دست‌ها و انگشتان (مودرا)<sup>(۶۳)</sup> است که بنا بر آداب خاصی انجام می‌گیرد تا تأثیر منتره‌ها را بیشتر کند. زیرا هر عاطفه‌ای با یک واکنش بدنی خاصی بیان می‌شود، عکس این نیز درست است، به این معنا که حالت خاصی در تن یا دست می‌تواند

حالت روانی وابسته به آن را پدید بیاورد. رهایی در وجره‌یانه با این اندیشه آغاز می‌شود که انسان از سر نادانی دو چیز تصور می‌کند، یکی جهان نمودین و دیگری رهایی. اما شخص می‌تواند از روی روش دریابد که این دو یکی است.

### یک گردونه

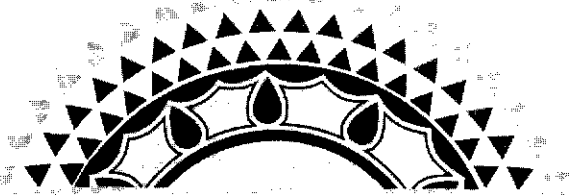
امروزه جهان بودایی چه کشورهای هینه‌یانه و چه کشورهای مه‌یانه برآنند که تفاوت میان مکاتب گوناگون بودایی تنها در روش عرضه آموزه بوداست، اما تفاوت جوهری با هم ندارند. شاکیه‌مونی بودا در فصل سوم سوره نیلوفر، که یکی از مهم‌ترین آثار مردمی سنت مه‌یانه است، نشان می‌دهد گردونه‌های هینه‌یانه و مه‌یانه به خودی خود منزل فرجامین نیستند، بلکه وسیله‌های موقتی هستند که بودا با آنها مردم را به سوی یک گردونه بودا یا راه یگانه بودا هدایت می‌کند. می‌گوید قصد و نیت حقیقی بودا این است که به مردم یاری کند که همچون خود او به مقام بوداگی، یعنی بودا شدن، برسند. از این سخن پیداست که همه مردم در ذات‌شان حالت بوداگی دارند و همه مستعد و قابل بودا شدن هستند.

کشف یک گردونه بودا خصوصاً برای مؤمنان گردونه هینه‌یانه بسیار تکان‌دهنده است زیرا اینان گمان می‌کردند که حدشان فقط رسیدن به ارهتی یعنی مقام و مرتبه انسان کامل است و هرگز در خواب هم نمی‌دیدند که بوداشدن حق‌شان باشد یا از آن نصیبی ببرند.

شاری پوتره، یکی از شاگردان بودا، از او می‌خواهد که روشن کند سه گردونه چه گونه به یک گردونه بودا می‌انجامد.



پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
علوم انسانی



7. Dhyana
8. Karma
9. Vesakka
10. Ananda
11. Vinaya
12. Sutta
13. Vesali
14. Yasa
15. Vajji
16. Mhasanghika
17. Sthaviravada
18. Ashoka
19. Pataliputta
20. Abhidharma
21. Sarvastivadin
22. Vibhajjavadin
23. Kanishka
24. Jalandhar
25. Hinayana
26. Mahayana
27. Sthaviravada
28. Mahasanghika
29. Mahavastu
30. Dipavamsa
31. Mahavamsa
32. Achariavada
33. Shinto
34. Tao
35. Lamaism
36. Theravada
37. dukha
38. Samsara
39. Nirvana
40. Pratitya- Samutpada
41. anatman
42. boidhisattva
43. Shunyata
44. Trikaya
45. Vajrayana
- 46- Madhyamika
- 47- Nagarjuna
- 48- Asanga
- 49- Tantra
- 50- Vajrayana
- 51- Chan
- 52- Hua-Yen
- 53- Tien-Tai
- 54- Zen
- 55- Kegoan
- 56- Tendai
- 57- Shastra
- 58- Guru
- 59- Tantra
- 60- Mantrayana
- 61- Mahasiddha
- 62- Sakhaka
- 63- Mudra

در نمی‌یابند و طالب روشنی و روشن شدن نیستند، اما به جای آن نیروهایشان را در راه جست‌وجوی لذات گذرندمای چون جاه و مال هدر می‌دهند.

### کتابنامه

Bureau, Andro., "Hinayana Buddhism" in M. Eliade, ed., The Encyclopedia of Religion, New York, Macmillan/London, Collier Macmillan, 1987, Vol. 2, pp. 444.

Nakamura, Hajime., "Mahayana Buddhism" in M. Eliade, ed., The Encyclopedia of Religion, New York, Macmillan/London, Collier Macmillan, 1987, Vol. 2, pp. 457.

Snellgrove, David L., "Tibetan Buddhism" in M. Eliade, ed., The Encyclopedia of Religion, New York, Macmillan/London, Collier Macmillan, 1987, Vol. 2, pp. 493.

Stephan Schuhmacher & Gert Woerner ed., The Rider Encyclopedia of Eastern Philosophy and Religion, London, Melbourne, Auckland, Johannesburg, 1986.

Wayman, Alex., "Esoteric Buddhism" in M. Eliade, ed., The Encyclopedia of Religion, New York, Macmillan/London, Collier Macmillan, 1987, Vol. 2, pp. 472.

پاشایی، ع. (۱۳۸۰). هیتنه‌یانه. تهران: نشر نگاه معاصر.  
 پاشایی، ع. (۱۳۸۲). سوره نیلوفر. قم: مجله تخصصی هفت آسمان، سال پنجم، شماره هفدهم.  
 کازینزل، ل. س. آیین بودا. برگردان علیرضا شجاعی. قم: (به زودی) نشر مرکز مطالعات ادیان.  
 کازینزل، ل. س. (۱۳۶۹). نیروته در آیین بودا. برگردان علیرضا شجاعی. قم: مجله تخصصی هفت آسمان، سال دوم، شماره هفتم.  
 سوزوکی، ب. ل. (۱۳۸۰). راه بودا (آیین بودای مهاییانه). برگردان ع. پاشایی. تهران: نشر نگاه معاصر.  
 شومان، هانس ولفگانگ. (۱۳۷۵). آیین بودا (طرح تعلیمات و مکتب‌های بودایی). برگردان ع. پاشایی. تهران: نشر فیروزه.

### پی نوشت‌ها:

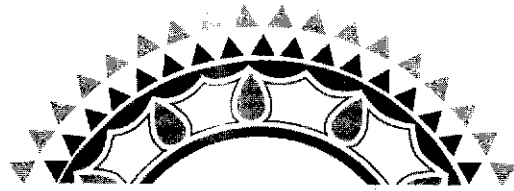
1. Sidharta Gotama
2. sakiya
3. kshatriya
4. Suddhodana
5. Kosala
6. Bodhi

بودا در پاسخ او تمثیلی می‌آورد، یعنی تمثیل سه گردونه و خانه سوزان. بودا می‌گوید خواهی محتشمی را فرض کنی که فرزندان بسیار دارد که همه در سرای بزرگ کهنه و فرسوده او زندگی می‌کنند. روزی این سرا آتش می‌گیرد، اما فرزندان او که خردسالند، سخت به بازی سرگرم و از حریق غافلند. مرد توانگر اول فکر می‌کند که برود و به زور و بازوی خود کودکانش را از آنجا خارج کند، اما آن سرا فقط یک دروازه دارد و او می‌ترسد که مبادا با وجود سعی و تلاش او برخی بچه‌ها به کام آتش بیفتند. بعد آنها را صدا می‌زند مراقب باشند که در خطرند. فریاد می‌زند زود همه بیاید بیرون. اما، کودکان که نه می‌دانند آتش چیست و نه از هشدار او چیزی دستگیرشان می‌شود همچنان سرگرم بازی‌اند و به فریادهای پدر دل نمی‌دهند. خواهی چاره‌اندیشی می‌کند و ترفند و دستاویزی می‌سازد که آنان را وسوسه کرده از خانه بیرون بکشد چون می‌داند که آنها شیفته بازیچه‌های کنجکاوای برانگیز و کمیاب‌اند، به آنها ندا می‌دهد که بیرون دروازه سه‌جور گردونه هست که آنها همیشه آرزویش را داشته‌اند: گردونه‌های بزرگش، گوزن‌کش و گاوش. بچه‌ها که این را می‌شنوند شتابان یکی پس از دیگری از دروازه بیرون می‌آیند که بازیچه‌های دلخواه‌شان را بگیرند.

چون به سلامت از آن مهلکه جستند، گردونه‌هایی را که پدر وعده داده بود از او خواستند اما خواهی به جای آن سه نوع گردونه، به هر فرزند یک گردونه بسیار بزرگ‌تر و زیباتر می‌دهد که مزین به هفت گوهر است و نره‌گاو سفید بزرگی آن را می‌کشد. مرد توانگر پیش خود فکر می‌کند که آیا این همه دارایی‌های پایان‌ناپذیری که من دارم، نمی‌توانم گردونه‌های کوچک و پستی به کودکانم بدهم. این‌ها فرزندان من هستند، همه‌شان را به یک چشم نگاه می‌کنم و دوستشان می‌دارم. گردونه‌های ساخته‌از هفت گوهر گران‌بها دارم که شمارشان از حد بیرون است. باید به طور مساوی به هر فرزندم یکی بدهم. نباید میان آنها فرق بگذارم. چرا؟ چون اگر چیزهایی که من دارم به تمام مردم این سرزمین هم بدهم باز پایان نمی‌پذیرد، چه رسد به اینکه فقط آنها را به فرزندانم بدهم.

سپس بودا به شاری پوتره می‌گوید آن خواهی فرزندان خود را فریب نداده و به آنها دروغ نگفته است. چرا که حفظ جان کودکان چنین چاره‌گری را اقتضا می‌کرده است، حتی اگر چیزی هم به آنها نمی‌داد باز با این ترفند جانشان را از آن خانه آتش گرفته نجات داده است، پس هیچ کار خطایی نکرده است.

بعد می‌افزاید آن سرای کهنه و فرسوده این جهان است و آتشی که خانه را فرا می‌گیرد، رنج تولد، بیماری و مرگ است. خواهی، خود بودا است که در جهان ظهور می‌کند تا مردم را از رنج و بی‌نوابی برهاند. کودکان، همه جاندارانند و بازی‌هاشان خوشی‌ها و کام‌های خاکی یا این جهانی است. غرقه شدن در بازی و ناکامی‌شان در فهم هشدار پدر، نشان می‌دهد که مردم نپایندگی چیزها را



## اسامی برخی از مراکز و کتابفروشی‌های ارائه دهنده مجله در تهران و شهرستان‌ها

- تهران:
- شهر کتاب ساعی: خیابان ولیعصر، جنب پارک ساعی، تلفن: ۸۷۱۸۲۰۰
  - شهر کتاب نیاوران: نیاوران، روبروی پارک نیاوران، تلفن: ۲۲۹۱۳۵۸
  - شهر کتاب آستانه: میدان شهرری، خیابان آستانه، تلفن: ۵۹۰۰۰۱۷
  - شهر کتاب شکوفه: خیابان هفده شهریور، خیابان شهید کاظمی، تلفن: ۳۷۹۹۰۹۳
  - شهر کتاب ابن سینا: شهرک قدس، خیابان خوردین، جنب فرهنگسرا، تلفن: ۸۰۸۹۵۹۴
  - نشر داریوش: قلهک، جنب سینما فرهنگ، تلفن: ۲۰۰۰۴۰۰
  - نشر چشمه: خیابان کریمخان زند، نبش میرزای شیرازی، تلفن: ۸۹۰۷۷۶۶
  - نشر مرکز: خیابان قاطمی، خیابان باباطاهر، تلفن: ۸۹۷۰۴۶۲
  - نشر آگاه: خیابان انقلاب، روبروی دبیرخانه دانشگاه، تلفن: ۶۴۶۷۳۳۳
  - نشر توس: خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه، تلفن: ۶۴۶۱۰۰۷
  - نشر باغ: خیابان ولیعصر، بالاتر از پارک‌وی، روبروی پمپ بنزین، تلفن: ۲۷۱۸۵۵۵
  - نشر ثالث: خیابان کریمخان زند، بعد از ایران‌شهر، تلفن: ۸۳۲۵۳۷۷
  - شهرستان‌ها:
  - اراک: بلوار قدس، کتابفروشی سازمان تبلیغات اسلامی، تلفن: ۲۲۴۲۵۰۱
  - مشهد: چهارراه دکترا، کتابفروشی حضرت امام خمینی، تلفن: ۸۴۳۰۱۴۷
  - اصفهان: خیابان بزرگمهر، کتابفروشی آرش، تلفن: ۲۲۸۳۹۷۰
  - تبریز: خیابان طالقانی، روبروی مصلی، شماره ۱۵۰، تلفن: ۰۹۱۱۴۱۶۵۷۶۱
  - چالوس: میدان آزادی، سازمان تبلیغات اسلامی، تلفن: ۲۲۱۷۷۰۵
  - رشت: خیابان علم‌الهدی، کتابفروشی طاعتی، تلفن: ۲۲۴۱۱۶۹
  - سمنجان: خیابان امام، کتابسرای نوروزی، تلفن: ۲۲۲۶۹۶۲
  - شیراز: تقاطع رودکی و فردوسی، مؤسسه پیغام امروز، تلفن: ۲۳۳۳۷۲۶
  - کرمان: چهارراه ارک، فروشگاه نوین، تلفن: ۲۲۲۲۸۶۴
  - کرمانشاه: میدان ارشاد اسلامی، سرپرستی روزنامه همشهری، تلفن: ۸۲۳۸۰۵۸
  - کیش: کتابفروشی روحی، تلفن: ۴۴۲۰۰۱۴
  - قائم‌شهر: میدان طالقانی، کتابفروشی بلال حبشی، تلفن: ۲۲۳۱۸۵۹
  - قم: میدان شهدا، خیابان حجتیه، شماره ۷۱، کتابفروشی طه، تلفن: ۷۷۴۰۵۹۶

علاقه‌مندان استفاده از سایت اینترنتی مجله اخبار ادیان می‌توانند به آدرس <http://j.iid.org.ir> مراجعه کنند.

## اخبار ادیان

موسسه گفت‌وگوی ادیان موسسه‌ای غیر انتفاعی است که در جهت نزدیکی و همسخنی ادیان تلاش می‌کند. از خوانندگان و علاقه‌مندان درخواست می‌شود با اشتراک این نشریه گامی در جهت تحقق رسالت تقریب میان ادیان بردارند. در صورت تمایل می‌توانید بهای اشتراک مجله را به ازای هر شماره درخواستی ۵۰۰۰ ریال (در داخل کشور) به حساب جاری ۹۸۰۶۱۸۵۱ بانک تجارت شعبه آفریقا کد ۳۰ به نام موسسه گفت‌وگوی ادیان واریز کنید و فیش آن را همراه با فرم اشتراک و نشانی دقیق خود برای ما بفرستید تا مجله برای شما ارسال شود.

هزینه ارسال نشریه به عهده اخبار ادیان است.

نام و نام خانوادگی:

سن:

تحصیلات:

شغل:

مدت اشتراک:

تلفن:

شهرستان:

استان:

آدرس دقیق پستی:

کد پستی: